

ارزیابی تاثیر شفافیت شرکتی بر سیاست متهورانه مالیاتی در

شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

محمد رضا عبدلی^۱

حسن حق نیاز^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۲/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۶/۰۴

چکیده

تحقیق حاضر به دنبال تاثیر شفافیت شرکتی بر سیاست متهورانه مالیاتی آنها می باشد. بدین منظور ۱۲۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۲ مورد مطالعه قرار گرفته اند. برای محاسبه میزان شفافیت از مدل مبتنی بر شاخص "استاندارد اند پورز" استفاده شده است. این شاخص شفافیت را در سه حوزه عملکرد، مالکان و مدیران مورد بررسی قرار می دهد. در بررسی آماری از مدل رگرسیون لجستیک ساده و چند گانه استفاده شده است. نتایج به دست آمده نشان می دهد که مدل آماری قادر به تشخیص سیاست متهورانه مالیاتی می باشد. شفافیت در حوزه عملکرد شرکتها رابطه ای معنادار با سیاستهای مالیاتی شرکتها ندارد، ولی شفافیت مالی و شفافیت در بخش نوع و میزان مالکیت، رابطه ای مثبت و معنادار با خط مشی های مالیاتی شرکتها دارند. همچنین متغیر نوع اظهار نظر حسابرس، تفاوت مالیات ابرازی با تشخیصی و اندازه شرکتها رابطه ای معنادار با سیاستهای مالیاتی شرکتها دارند.

واژه های کلیدی: شفافیت شرکتی، ساسیت متهورانه مالیاتی

۱- عضو هیات علمی گروه حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود (نویسنده مسئول) mra830@yahoo.com

۲- کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قشم hassan.haghnayaz@yahoo.com

۱- مقدمه

تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که اعمال و رفتارهای مدیریتی که صرفاً برای به‌حداقل رساندن مالیات شرکت از طریق فعالیتهای متهورانه مالیاتی که در بسیاری از کشورهای جهان انجام می‌پذیرد در حال تبدیل شدن به یک خصیصه عمومی از چشم انداز شرکت می‌باشد. با این حال مالیاتی که از طریق فعالیتهای متهورانه ایجاد شده هزینه و منافع قابل توجهی را برای مدیریت، سهامداران و به طور کلی برای جامعه ایجاد می‌کند (رمن و ریچاردسون، ۲۰۱۱).

مسئله سیاست‌های متهورانه مالیاتی یا متهورانه بودن مالیات، قدمتی به اندازه خود مسئله مالیات دارد یعنی از زمانی که موضوع مالیات شکل گرفت این مسئله نیز همیشه مطرح بوده است، بنابراین از اهمیت خاصی برای همه کشورها برخوردار است. هزینه مالیات بر درآمد برای شرکت‌ها یکی از هزینه‌های با اهمیت می‌باشد و موجب خروج نقدینگی شرکت‌ها و کاهش سودهای متعلق به سهامداران می‌شود، بررسی عوامل موثر بر نوع سیاست‌های اتخاذ شده توسط شرکت‌ها از جایگاه ویژه‌ای برای سهامداران و دولت‌ها برخوردار می‌باشد.

تعیین درآمد مشمول مالیات شرکت‌ها برای محاسبه مالیات غالباً مشکل است. نوع هزینه‌ها و روش‌هایی که برای محاسبه مخارج انتخاب می‌شود و همچنین معافیت‌های مقرر در قوانین و مقررات مالیاتی متفاوت است و تعیین رویه واحدی جهت تشخیص درآمد مشمول مالیات شرکت‌ها تقریباً غیرممکن به نظر می‌رسد. بیشتر شرکت‌ها ترجیح می‌دهند سود بالاتر را به سهامداران و درآمد مشمول مالیات کمتری را به مسئولان مالیاتی گزارش کنند. بسیاری از تحلیل‌گران این شکاف رو به رشد را به عنوان افزایش رفتار گزارشگری مالیاتی جسورانه قلمداد می‌کنند. مطابق با همین دیدگاه افزایش قابل توجهی در اجتناب از پرداخت مالیات وجود دارد. گزارشگری مالیاتی جسورانه به عنوان دستکاری رو به پایین درآمد مشمول مالیات از طریق فعالیتهای مالیاتی برای فرار مالیاتی متقلبانه یا تکنیک‌هایی شامل راه اندازی عملیات در کشورهایی با نرخ مالیاتی پایین و استفاده از نظام مالیاتی دارای مزایای مالیاتی شناخته می‌شود. از طرف دیگر گزارشگری مالیاتی جسورانه به عنوان مدیریت سود شناخته می‌شود که می‌تواند در محدوده استانداردهای پذیرفته حسابداری مبادرت به هموارسازی سود نماید

در این پژوهش متغیر شفافیت شرکتی در قالب مدل استاندارد اند پورز تعریف و اندازه گیری شده و با عملکرد شرکت در حوزه مالیاتی به استناد گزارش های مالی مورد تایید حسابرس مورد بررسی قرار گرفته اند.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

سیاست‌های متهورانه مالیاتی از اواخر سال ۱۹۹۰ تا اوایل سال ۲۰۰۰ در گزارشگری مالی شرکت‌ها به وجود آمد. تحلیل مقطعی نشان می‌دهد که سیاست‌های متهورانه مالیاتی برای تحریف در گزارشگری مالی به وجود آمده که نتایج تحقیقات تجربی نیز این موضوع را ثابت می‌کند (لینوکس و همکاران، ۲۰۱۲). سیاست‌های متهورانه مالیاتی اغلب به عنوان مدیریت کاهشی درآمد مشمول مالیات از طریق فعالیت‌ها و اقدامات برنامه‌ریزی مالیاتی یاد می‌شود که می‌تواند قانونی یا غیرقانونی باشد. از جمله ابزارهای اعمال سیاست‌های متهورانه مالیاتی عبارتند از: دستیابی نادرست به معافیت مالیات بر درآمد، درج هزینه‌های غیرواقعی، استفاده از سیاست‌های هموارسازی سود برای کاهش سود مشمول مالیات.

پس از اینکه به مبانی نظری پژوهش اشاره شد، اینک به پژوهش‌های انجام گرفته مرتبط با موضوع پژوهش در خارج و داخل از کشور پرداخته می‌شود.

فرانک و همکاران (۲۰۰۹)، تاثیر مثبت میان سیاست‌های متهورانه مالیات گزارشگری مالی و سیاست‌های متهورانه مالیات را برآورد کردند که شامل مدیریت سود مشمول مالیات به صورت کاهشی و مدیریت سود دفتری به صورت افزایشی است.

چن و همکاران (۲۰۱۰) نشان دادند که در شرکت‌های سهامی سیاست‌های متهورانه مالیاتی نه تنها شامل صرفه جویی مالیاتی می‌شود بلکه این امکان را به مدیران ارشد اجرایی می‌دهد که هر نوع هزینه‌ای را افشا نمایند.

میزان و اندازه سیاست‌های متهورانه مالیاتی بستگی به احتمال تقلب حسابداری دارد. سیاست‌های متهورانه مالیاتی در تاثیر با این احتمال است که شرکت‌ها با حذف نقش حاکمیت شرکتی یا سایر عوامل خاص تعیین کننده شرکت اقدامات تحریف و تقلب در حسابهای شرکت نمایند (لینوکس و همکاران، ۲۰۱۲). استیجورس و نیسکانن (۲۰۱۱) تاثیر حاکمیت و مالکیت مدیران ارشد اجرایی (ترکیب هیات مدیران) را بر تصمیمات و رفتارهای متهورانه مالیاتی در شرکت‌های سهامی خصوصی مورد بررسی و مطالعه قرار دادند. داده‌ها با بررسی ۶۰۰ واحد تجاری کوچک و متوسط سهامی و غیرسهامی بین دوره زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵ گردآوری شده است. در این مقاله، نتیجه گرفته شد که شرکت‌های سهامی خصوصی نسبت به شرکت‌های غیرسهامی خصوصی، از رفتارهای متهورانه و تقلیل دهنده مالیاتی کمتری برخوردارند.

لنيس و ریچاردسون (۲۰۱۱) در بررسی ارتباط بین سیاست متهورانته مالیاتی و مسئولیت پذیری اجتماعی شرکتها بر اساس یک نمونه از ۴۰۸ شرکت در استرالیا در سال مالی ۲۰۰۸-۲۰۰۹، نشان دادند که ارتباط منفی و معناداری بین افشا مسئولیت اجتماعی شرکتها و سیاست متهورانته مالیاتی وجود دارد. عرب مازار و همکاران (۱۳۹۰) به تبیین تاثیر بین شفافیت گزارشگری مالی با گزارشگری مالیاتی در ایران پرداختند. آنها با بررسی و پرس و جو از پنج گروه شامل اعضای هیئت علمی دانشگاه، حسابرسان مستقل، کارشناسان بورس اوراق بهادار، مدیران مالی و ممیزان مالیاتی نشان دادند که یک تاثیر مثبت بین شفافیت گزارشگری مالی و گزارشگری مالیاتی وجود دارد، به طوری که در صورت تهیه گزارشگری مالیاتی به ضمیمه گزارشگری مالی، شفافیت گزارشگری مالی تا حدود زیادی تامین خواهد شد. عبدلی و بخشی (۱۳۹۲) به بررسی تاثیر گزارشگری متهورانته مالیاتی و اندازه شرکتها پرداختند. نتایج آنها حاکی از وجود یک تاثیر مثبت معنادار بین گزارش متهورانته مالیاتی و اندازه شرکتها بود.

پورزمانی و جامخانه (۱۳۸۸) در ارزیابی دلایل و عوامل ایجاد اختلاف بین درآمد مشمول مالیات ابرازی شرکتهای بازرگانی و درآمد مشمول مالیات تشخیصی توسط واحدهای مالیاتی، با استفاده از اطلاعات پرونده های مالیاتی مربوط به سالهای ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ شرکتهای بازرگانی فعال در اداره کل امور مالیاتی غرب و روشها و نرم افزارهای آماری مربوطه به این نتایج رسیدند که بین درآمد مشمول مالیات ابرازی شرکتها و بازرگانی و درآمد مشمول مالیات تشخیصی توسط واحدهای مالیاتی اختلاف معناداری وجود دارد، به علاوه عوامل ایجاد کننده این اختلاف نیز هر کدام به تنهایی در سطح اطمینان مورد نظر معنادار می باشند.

۳- روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از منظر ماهیت از نوع تحقیقات همبستگی است و از آنجا که داده های مربوط به گذشته را بررسی می نماید از نوع پس رویدادی است.

فرضیه های پژوهش

فرضیه اول: شرکتهایی که رتبه شفافیت عملکردی بالاتری دارند، سیاستهای متهورانته مالیاتی پائین تری دارند.

فرضیه دوم: شرکتهایی که رتبه شفافیت ساختار مالکیت و حقوق مالکان بالاتری دارند، سیاست های متهورانته مالیاتی پائین تری دارند.

فرضیه سوم: شرکتهایی که رتبه شفافیت بالاتری در حوزه مالی دارند، سیاستهای متهورانته مالیاتی پائین تری دارند.

نحوه گردآوری داده ها، جامعه و نمونه آماری

مبانی نظری و پیشینه پژوهش، به روش کتابخانه‌ای و از طریق مطالعه گزارش هیأت مدیره شرکتهای نمونه و سایر داده‌ها با استفاده از نرم افزارهای ره آورد نوین و تدبیرپرداز جمع‌آوری شده است. قلمرو مکانی این پژوهش شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۸۷ لغایت ۱۳۹۲ می‌باشد و برای انتخاب نمونه از روش حذف سیستماتیک استفاده شده است. نمونه مذکور شامل شرکتهایی است که مجموعه شرایط زیر را داشته باشند:

پایان سال مالی آن‌ها ۲۹ اسفند ماه باشد،

(۱) از سال ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۲، در تابلوی سازمان بورس حضور داشته باشند،

(۲) جزء شرکتهای سرمایه‌گذاری، بانک‌ها و بیمه‌ها نباشند.

(۳) داده‌های مورد نیاز تحقیق را افشا کرده باشند.

با توجه به معیارهای فوق، ۱۲۰ شرکت قادر به احراز شرایط فوق گردیدند.

جدول (۱) - محاسبه تعداد نمونه

تعداد	شرح
۵۶۸	تعداد کل شرکتهای پذیرفته شده در پایان سال ۹۲
۹۷	کسر می‌شود: شرکتهایی که سال مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفند نباشد
۱۹۹	تعداد شرکتهای حذف شده از ابتدای سال ۱۳۸۷ تاکنون از تابلوی بورس و یا فاقد اطلاعات شفاف برای متغیرها باشند
۱۵۲	تعداد شرکتهایی که جزء صنایع سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، هلدینگ، بانک و لیزینگ می‌باشد.
۱۲۰	تعداد نمونه آماری

داده‌های جمع‌آوری شده این پژوهش، با استفاده از مدل مطرح شده به کمک نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته اند و به دلیل آنکه متغیر وابسته از نوع دو دویی و به صورت ۱ و ۰ می‌باشد، از رگرسیون لجستیک برای آزمون فرضیه‌ها استفاده شده است.

مدل پژوهش و متغیرها

مدل مورد استفاده برای آزمون فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر می‌باشد:

$$\text{Tax Aggressiveness} = \alpha_0 + \beta_1 \text{ Transparency} + \beta_2 \text{ Control variable} + 3$$

که در آن: Tax Aggressiveness سیاست متهورانه مالیاتی، Transparency شفافیت شرکتی و Control variable متغیرهای کنترلی می‌باشند.

متغیر وابسته

شفافیت شرکتی از مدل "استاندارد اند پورز" اندازه‌گیری گردید. برای استخراج شاخص‌ها به یادداشت‌های پیوست صورت‌های مالی و گزارش فعالیت هیأت مدیره شرکت‌ها مراجعه گردید که شامل ۲۸ شاخص بود. این شاخص‌ها به کمک مطالعه پیشینه تحقیق و تحقیقات خارجی مرتبط استخراج شده‌اند. در برخی موارد شرکت‌های ایرانی این شاخص‌ها را افشا نمی‌نمایند لذا حذف گردیدند.

متغیر مستقل

سیاست متهورانه مالیاتی می‌باشد که مشابه با تحقیقات خارجی، در صورت وجود ابهام در خصوص وضعیت مالیاتی شرکت در گزارش حسابرسی مستقل، عدد ۱ و در غیر این صورت عدد صفر به آن شرکت اختصاص یافته است.

متغیرهای کنترلی

با توجه به مطالعه سایر پژوهش‌های داخلی و خارجی متغیرهای زیر می‌تواند بر سیاست‌های مالیاتی شرکت‌ها موثر باشند لذا این متغیرها نیز وارد مدل گردیدند:

وضعیت مالیاتی شرکت: عبارت است از تفاوت ریالی بین مالیات ابرازی (اظهار نامه) و مالیات تشخیصی (برگ تشخیص مالیاتی) است که در یادداشت‌های ترازنامه افشا می‌شود.

نوع اظهار نظر حسابرس مستقل: در صورتی که حسابرس مستقل در دوره مورد بررسی کلاً اظهار نظر مقبول نموده باشد عدد ۱ و در غیر این صورت عدد صفر اختصاص می‌یابد.

اندازه شرکت برابر است با لگاریتم طبیعی جمع دارائی‌های شرکت.

۴- نتایج پژوهش

نتایج به تفکیک فرضیه‌ها آورده شده است:

فرض اول

شرکت‌هایی که رتبه شفافیت عملکردی بالاتری دارند، سیاست‌های متهورانه مالیاتی پایین‌تری دارند.

ضریب متغیر معنادار نیست (شیب خط صفر است) $H_0: \beta_1 = 0$

ضریب متغیر معنادار است (شیب خط صفر نیست) $H_1: \beta_1 \neq 0$

جدول (۲) - نتایج آزمون والد

95.0% C.I. for EXP(B)		Exp(B)	Sig.	df	Wald	S.E.	B	متغیرها
Upper	Lower							
5.983	.286	1.308	.729	1	.120	.776	.268	شفافیت عملکرد
		.955	.935	1	.007	.562	-.046	Constant

جدول ضرایب، اطلاعاتی در مورد اهمیت متغیر پیش بینی کننده ارائه می‌کند. آزمونی که در اینجا به کار رفته به نام آزمون والد است که معادل آزمون T در رگرسیون می باشد و مقدار آماره هر پیش بینی کننده، در ستون Wald قابل مشاهده است. بررسی ضریب رگرسیونی متغیر شفافیت عملکرد نشان می‌دهد سطح معنی داری ضریب شفافیت عملکرد ($\text{sig} = 0/729$) بزرگتر از ۵ درصد می‌باشد، بنابراین فرض H_0 تایید و فرض H_1 رد می‌شود (ضرایب متغیر معنی دار نیست به عبارتی شفافیت عملکردی شرکتی تاثیری بر سیاستهای مالیاتی شرکتها ندارد).

فرضیه دوم

شرکت‌هایی که رتبه شفافیت ساختار مالکیت و حقوق مالکان بالاتری دارند، سیاست‌های متهورانه مالیاتی پائین تری دارند.

ضریب متغیر معنادار نیست (شیب خط صفر است) $H_0 : \beta_1 = 0$

ضریب متغیر معنادار است (شیب خط صفر نیست) $H_1 : \beta_1 \neq 0$

جدول (۳) - نتایج آزمون والد

95.0% C.I. for EXP(B)		Exp(B)	Sig.	df	Wald	S.E.	B	متغیرها
Upper	Lower							
1.092	.171	.433	.046	1	3.148	.472	-.838	شفافیت مالکان
		1.682	.024	1	5.124	.230	.520	Constant

بررسی ضریب رگرسیونی متغیر شفافیت مالکان نشان می‌دهد سطح معنی داری ضریب شفافیت مالکان ($\text{sig} = 0/046$) کوچکتر از ۵ درصد می‌باشد، از این رو با اطمینان بالاتر از ۹۵ درصد فرض H_0 رد و فرض H_1 تایید می‌شود. با توجه به منفی بودن ضریب شفافیت مالکان می‌توان بیان کرد هرچه شفافیت مالکان افزایش پیدا کند شرکتها به سمت عدم سیاست متهورانه گرایش پیدا می‌کنند یعنی تاثیر معکوس بین شفافیت مالکان و سیاست متهورانه شرکتها وجود دارد.

نتایج فرضیه سوم

شرکت‌هایی که رتبه شفافیت ساختار هیئت مدیره بالاتری دارند، سیاست‌های متهورانه مالیاتی پائین تری دارند.

ضریب متغیر معنادار نیست (شیب خط صفر است) $H_0 : \beta_1 = 0$

ضریب متغیر معنادار است (شیب خط صفر نیست) $H_1 : \beta_1 \neq 0$

جدول (۴) - نتایج آزمون والد

95.0% C.I. for EXP(B)		Exp(B)	Sig.	df	Wald	S.E.	B	متغیرها
Upper	Lower							
14.10	1.960	5.258	.001	1	10.87	.503	1.660	شفافیت ساختار مالی
		.770	.075	1	3.169	.147	-.262	Constant

بررسی ضریب رگرسیونی متغیر شفافیت مالی نشان می‌دهد در سطح معنی‌داری ۵ درصد ضریب شفافیت مالی (sig = ۰/۰۰۱) کوچکتر از ۵ درصد و معنی‌دار می‌باشد. از این‌رو با اطمینان بالاتر از ۹۵ درصد فرض H_0 رد و فرض H_1 پذیرش می‌شود.

همچنین با توجه به اینکه ضریب رگرسیونی مدل برازش شده مثبت بدست آمده است بیان می‌کند هرچه شفافیت مالی شرکت‌ها افزایش یابد، شرکت‌ها بیشتر سیاست متهورانه را دنبال می‌کنند یعنی تاثیر مثبت بین شفافیت مالی و سیاست متهورانه شرکت‌ها وجود دارد.

نتایج آماری آزمون بعد از ورود همه متغیرها به مدل

همان‌طور که جدول شماره ۵ نشان می‌دهد، آماره والد متغیرهای شفافیت مالی، نوع اظهار نظر حسابرس مستقل و شفافیت مالکان در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی‌دار می‌باشد که بیانگر آن است که این سه متغیر تاثیر معناداری بر سیاست متهورانه شرکت‌ها دارند. بررسی دیگر ضرایب متغیرها نشان می‌دهد که تاثیر معناداری بر سیاست متهورانه شرکت‌ها ندارند. نکته حائز اهمیت دیگر این است که شفافیت ساختار هیئت مدیره تاثیر مثبت و نوع اظهار نظر حسابرس مستقل و شفافیت مالکان، تاثیر منفی بر متغیر وابسته دارند، یعنی با افزایش شفافیت مالی شرکت، شرکت‌ها به سمت سیاست متهورانه می‌روند و بر عکس هرچه نوع اظهار نظر حسابرس و شفافیت حقوق مالکان افزایش پیدا کند، شرکت‌ها به سمت عدم اجرای سیاست متهورانه گرایش پیدا می‌کنند.

جدول (۵) - آزمون معناداری ضرایب مدل اصلی

متغیر	ضریب	آماره والد	سطح معناداری
شفافیت عملکرد	۰/۲۳	۰/۰۸	۰/۷۶
شفافیت حقوق مالکان	-۱/۰۲	۴/۲۴	۰/۰۳
شفافیت ساختار هیئت مدیره	۱/۹	۱۲/۹۲	۰/۰۰
تفاوت مالیاتی	۰/۸۳	۴/۶۷	۰/۰۳
نظر حسابرسان	-۰/۴۷	۵/۵۶	۰/۰۳۵
اندازه شرکت	۰/۶۱	۳/۰۹	۰/۰۴

۵- نتیجه گیری و پیشنهادات

نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول نشان می‌دهد که متغیر شفافیت عملکردی نتوانسته است اثری بر سیاستهای متهورانه مالیاتی داشته باشد به عبارت دیگر الگوی معنی‌داری بین متغیر شفافیت و سیاست متهورانه مالیاتی وجود ندارد پس فقط با توجه به این متغیر نمی‌توان سیاست متهورانه مالیاتی را پیش بینی نمود. احتمالاً این اطلاعات که عموماً شامل اطلاعات مقداری عملکرد شرکتهاست در سایر گزارشات نیز افشا می‌شود و چون تاثیری بر درآمد و سود ندارند مورد توجه قرار نمی‌گیرند.

نتایج فرضیه دوم نشان دهنده آن است که بین متغیر شفافیت ساختار مالکیت و حقوق مالکان و سیاست متهورانه مالیاتی رابطه معنی‌دار و معکوس می‌باشد. بدین معنی که هر چه شفافیت ساختار مالکیت بالاتر باشد سیاست متهورانه کمتر می‌باشد. از آنجا که عملکرد و سیاست‌های مدیریت شرکت مستقیماً بر میزان شفافیت و مخفی‌کاری شرکتها تاثیر می‌گذارد مورد توجه مالیاتی نیز می‌باشد و از اهمیت برخوردار است.

نتایج فرضیه سوم حاکی از آن است که رابطه معنی‌داری بین متغیر شفافیت در حوزه ساختار هیئت مدیره و سیاست متهورانه مالیاتی وجود دارد و هرچه شفافیت مالی در این حوزه شرکتها افزایش یابد، شرکتها بیشتر سیاست متهورانه را دنبال می‌کنند یعنی رابطه مثبت بین شفافیت مالی و سیاست متهورانه شرکتها وجود دارد. از آنجا که متغیرهای مالی از جمله ارقام درآمدی و هزینه‌ای و سود و زیان رابطه و تاثیری مستقیم بر میزان مالیات دارند لذا شفافیت هر چه بیشتر در این بخش

مورد نظر می باشد و از اهمیت بالایی برخوردار است و انتظار می رود مخفی کاری کمتر در این حوزه بتواند به شفافیت مالیاتی بالاتری منجر گردد.

پیشنهادات مبتنی بر نتایج تحقیق عبارتند از:

۱) شاخص های افشای اجباری برای شرکتها در حوزه مالی بیشتر گردد تا منجر به شفافیت مالیاتی شود.

۲) شاخص های افشای اجباری برای شرکتها در حوزه مالکیت بیشتر گردد تا منجر به شفافیت مالیاتی شود.

۳) شرکتهایی که تمکین مالیاتی پائین تری دارند، ریسک مالیاتی بالاتر داشته و باید از لحاظ مالیاتی مورد توجه بیشتری قرار گیرند.

پیشنهادات برای تحقیقات آتی به قرار زیرند:

۱) بررسی تاثیر نوع مالکیت و میزان تمرکز مالکیت بر سیاست های مالیاتی

۲) بررسی رابطه افشای اختیاری شرکتها با سیاست های مالیاتی

فهرست منابع

- ۱- عرب مازار، علی اکبر؛ طالب نیا، قدرت اله؛ وکیلی فرد، حمیدرضا؛ صمدی لرگانی، محمود (۱۳۸۹)، تبیین ارتباط بین شفافیت گزارشگری مالی با گزارشگری مالیاتی در ایران، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، سال سوم، شماره نهم، ۱۳۹۰، ص ۲۱.
- ۲- عبدلی، محمدرضا؛ بخشی حسین و حسینی، سیدعلی (۱۳۹۲)، بررسی رابطه گزارشگری متهورانه مالی و اندازه شرکتها با سیاستهای متهورانه مالیاتی، پژوهشنامه مالیات، شماره ۶۷، سال ۱۹، ص ۱۷۰-۱۵۷.
- ۳- شمس جامخانه، ابولفضل و پورزمانی، زهرا (۱۳۸۸)، بررسی دلایل اختلاف بین درآمد مشمول مالیات ابرازی شرکتها بازرگانی و درآمد مشمول مالیات تشخیصی توسط واحدهای مالیاتی، پژوهشنامه مالیات، شماره ۵.
- 4.Chen, S. , X. Chen, Q. Cheng, and T. Shevlin (2010). Are family firms more tax aggressive than non-family firms? Journal of Financial Economics 95: 41-6.
- 5.Frank, M. M. , Lynch, L. , Rego, S. (2009). Tax reporting aggressiveness and its relation to aggressive financial reporting. The Accounting Review, 84, 467-496.
- 6.Lennox, Clive S, Lisowsky, Petro and Pittman, Jeffrey A.(2012).Tax Aggressiveness and Accounting Fraud. Journal of Accounting Research.
- 7.Lanis, R, and G. Richardson (2011). The effect of board of director composition on corporate tax aggressiveness. Journal of Accounting and Public Policy, 30 (1): 50-70.
- 8.Steijver,Tensie, and Niskanen, Mervi (2011). Tax Aggressive Behavior in Private Family Firms,The Effect of the CEO and Board of Directors. Available at: <http://ssrn.com/abstract=1937651>

